

تأملی تطبیقی در مفهوم سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام و فوکویاما

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۲ محسن دلاویز^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ سید خدایار مرتضوی اصل^۲

سید عطاالله سینایی^۳

چکیده

سرمایه اجتماعی مفهومی است میان رشته‌ای که پس از مارکس و بخصوص در نیمه دوم قرن بیستم در رشته‌های گوناگون در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین مطرح شده است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات اعضای یک شبکه دلالت دارد که با ایجاد هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف جمعی می‌شود. از میان متفکران علوم سیاسی پاتنام و فوکویاما در آثار مهم خویش بیشتر به این مفهوم پرداخته‌اند. پرسشی که این مقاله در پی پاسخگویی به آنست اینکه رویکرد پاتنام و فوکویاما نسبت به سرمایه اجتماعی دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است؟ نتایج تحقیق که به روش مقایسه‌ای از نوع رهیافت «بسیار مشابه» انجام شده، تلاش می‌کند تا از لابلای متون و مؤلفه‌های نظریات این دو متفکر، تفاوتها و تمایزات آن را برجسته سازد. برای دستیابی به ادبیات نظری موضوع و داده‌ها، از مطالعات کتابخانه‌ای با لحاظ اصالت و اعتبار اسناد بهره گرفته شده و به منظور استخراج دیدگاه‌ها و تدوین پایه‌های نظری از تحلیل و تطبیق محتوای کیفی متون استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شباهت دو نظریه پرداز در تاکید بر پیوندهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، هنجارهای اعتماد و همیاری متقابل است اما در حالیکه پاتنام بر سنت‌های مدنی و ماهیت سیاسی و اجتماعی سرمایه اجتماعی تاکید دارد فوکویاما بیشتر به هنجارهای غیررسمی، سطوح فردی، گروهی و سازمانی و ساختار اقتصادی و اجتماعی این سرمایه توجه می‌کند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، پاتنام، فوکویاما، اعتماد، شبکه‌های اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استاد یار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

کارل مارکس با انتشار اثر کلاسیک خود با عنوان **سرمایه** مفهوم سرمایه را بیش از پیش در علوم انسانی مطرح و برجسته ساخت. در این اثر سه جلدی معروف به «مجموعه عظیم سه جلدی پروژه نقد اقتصاد سیاسی کارل مارکس» که مهمترین اثر وی محسوب می شود و جلد اول آن در زمان حیات و دو جلد دیگر بعد از مرگ او و با ویراستاری انگلس انتشار یافت، مفهوم سرمایه معنا و مضمونی اقتصادی و مالی دارد و با همین مضمون مبنای کل روابط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جوامع مختلف قرار می گیرد. (مارکس، ۱۳۹۳، ۱۱) بحث اصلی مارکس در خصوص زیربنا و روبنا و نیز در باب تولید و مناسبات تولیدی در همین ارتباط و حول محور مفهوم سرمایه مطرح شده است. دهه ها پس از انتشار این اثر مارکس مفهوم سرمایه از انحصار حوزه اقتصاد خارج و به حوزه های فرهنگی و اجتماعی و سپس سیاسی تسری یافت. پی بروردیو از برجسته ترین متفکرانی است که مفهوم سرمایه را در حوزه ای غیراقتصادی مطرح کرد و در کنار سرمایه اقتصادی از انواع سرمایه های فرهنگی، اجتماعی، نمادین و سمبلیک سخن به میان آورد. کتاب معروف وی با عنوان **تمايز اثری کلاسیک** در این زمینه بشمار می آید که در نوع خود منحصر بفرد و همتای کتاب سرمایه مارکس قلمداد می شود. (بوردیو، ۱۳۹۳) با انتشار این اثر و دیگر آثار مشابه مفهوم سرمایه اجتماعی در ادبیات علوم انسانی نهادینه شد و بتدریج جا افتاد.

در اساس، مفهوم سرمایه اجتماعی مفهوم پیچیده ای نیست و مضمون اصلی آن در کلمه ارتباط نهفته است. عناصر و اعضای جامعه با برقراری ارتباط با همدیگر و پایدار ساختن این ارتباط ظرفیت همکاری با همدیگر را می یابند و از این مسیر چیزهایی بدست می آورند که به تنهایی قادر به دستیابی به آنها نیستند. انسان ها از طریق مجموعه ای از شبکه ها به هم مرتبط می شوند و با گسترش این شبکه ها، نوعی دارایی شکل می گیرد که سرمایه اجتماعی خوانده می شود. در این میان، پاتنام، اندیشمند سیاسی آمریکایی سهم زیادی در مردمی کردن اصطلاح سرمایه اجتماعی داشت که پیش از آن به گونه انتزاعی محسوب می شد: «ویژگی هایی از سازمان اجتماعی همچون اعتماد، هنجارها و شبکه ها که می توانند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش های تعاونی بهبود بخشند» (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۲-۷)

امروزه، مفهوم سرمایه اجتماعی همسو با سایر سرمایه ها و بلکه مهمتر از همه آنها، نقشی بنیادین در دستیابی جوامع به توسعه و پیشرفت ایفا می کند. به همین لحاظ، جامعه شناسان زیادی در دهه های اخیر توجه خود را بر شناسایی این نوع مهم از سرمایه و درک ابعاد مختلف آن متمرکز نموده اند و در عین حال تلاش کرده اند تا عوامل رشد و افزایش این سرمایه و همچنین موانع ارتقاء و عوامل فرسایش آن را شناسایی کنند. از این منظر، سرمایه اجتماعی مفهومی جدید است که از سال های ۱۹۹۰ برای

نخستین بار از سوی جامعه شناسان فرانسوی و آمریکایی بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما مطرح گردید. سرمایه اجتماعی مانند دیگر مفاهیم جامعه شناختی دارای ابعاد مختلفی است و هر یک از متفکران تعریف متفاوتی از آن ارائه کرده است. در حالی که برخی متفکران سرمایه اجتماعی را بر حسب اعتماد و هنجارهای مشارکت اجتماعی تعریف می‌کنند، برخی دیگر آن را بر حسب ارزش‌های فرهنگی مانند دلسوزی، نوع دوستی، گذشت و بردباری توصیف می‌کنند و عده‌ای نیز بر نهادها و کیفیت و کمیت زندگی مشارکتی تاکید دارند (Yuank, ۲۰۰۶).

با توجه به نقشی که در دهه‌های اخیر رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما در تعریف و گسترش مفهوم سرمایه اجتماعی داشته اند این مقاله بر آن است تا به بررسی نظریات این دو اندیشمند در خصوص این مفهوم و مقایسه آنها بپردازد. سؤال اصلی این است که رویکرد فوکویاما و پاتنام به سرمایه اجتماعی چگونه رویکردی است و چه تفاوتها و شباهت هایی میان این دو رویکرد وجود دارد؟ برای طرح این سوال و پاسخگویی به آن از روش مقایسه‌ای با تاکید بر رهیافت "بسیار مشابه" استفاده می‌شود. مطابق این رهیافت، مقایسه میان مواردی صورت می‌گیرد که شباهت‌های آن موارد بسیار بیشتر از تفاوت‌های آنها می‌باشند. (مارش و استوکر، ۱۳۹۳، ۲۹۰) این رهیافت، در مقابل دیگر رهیافت مقایسه‌ای با عنوان "بسیار متفاوت" قرار می‌گیرد که در آن اشتراکات و شباهت‌های موارد مورد مقایسه بیش از تفاوت‌های آنها می‌باشد. (مارش و استوکر، ۱۳۹۳، ۲۹۰) دلیل برگزیدن رهیافت بسیار مشابه وجود شباهت‌های فراوان میان دیدگاه‌های پاتنام و فوکویاما است و این تحقیق در جستجوی آنست تا در میان شباهت‌ها و اشتراکات این دو متفکر، تفاوتها و تمایزات آنها را نمایان سازد.

پیشینه پژوهش

از میان تحقیقات فراوانی که در خصوص سرمایه اجتماعی انجام شده صرفاً از باب نمونه به سه مورد در داخل و سه مورد در خارج از ایران اشاره می‌شود. سوری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی سنجش سرمایه اجتماعی در ایران پرداخت. به نظر وی سرمایه اجتماعی مقوله‌ای است کیفی که سنجش آن با مشکلات خاصی مواجه است و به همین دلیل، هنوز روش و رویه یکسانی برای آن ارائه نشده است. این مشکل هم در سطح جهانی و هم در سطح ملی وجود دارد.

منصوری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای دیگر به بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی: مطالعه موردی شهر کرمانشاه پرداختند. یافته‌های این مقاله نشان داد که متغیرهای مشارکت سیاسی غیررسمی و آگاهی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی تأثیر مثبتی دارد. به این معنا که هر چه سطح مشارکت سیاسی غیررسمی و آگاهی در یک جامعه بیشتر باشد به همان میزان پاسخگویی نهادهای حکومتی نیز مطلوب‌تر است. اما تأثیرگذاری متغیرهای اعتماد عمومی و اعتماد نهادی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. شریفی و همکاران (۱۴۰۰) نقش سرمایه اجتماعی در کارآمدی نظام سیاسی را بررسی کرده‌اند. به نظر آنها سرمایه اجتماعی بعد از سرمایه‌های مالی، مادی یا فیزیکی و انسانی به عنوان مرحله

چهارم از حلقه تکامل سرمایه می باشد که در توسعه و پایداری و همچنین در میزان ثبات نظام سیاسی کشورها دارای جایگاه و نقش بسیار مهمی است.

از طرفی، لاک^۱ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی سالم در بزرگسالان برزیلی پرداخته و ادعا کردند کسانی که از میزان سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند سبک زندگی سالمی داشته و میزان رفتارهای خطرناک شایع آنها نیز کمتر است. فانگ^۲ و همکارانش (۲۰۱۷) در پژوهشی به مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و پایداری به سبک زندگی سالم در بیماران مبتلا به بیماری عروق کرونر قلب پرداخته و به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (شبکه اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و حس تعلق) با سبک زندگی سالم نسبت مستقیم دارد. اتری^۳ و همکاران (۲۰۱۸) رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی در افراد سالمند را بررسی و ثابت کردند که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد، امنیت، مشارکت، ارزش زندگی) با سبک زندگی همبستگی معنادار مستقیمی دارند.

همچنانکه ملاحظه می شود در هیچکدام از این آثار به مقایسه دیدگاههای پاتنام و فوکویاما نپرداخته نشد و این نشانگر نو بودن موضوع مقاله و ضرورت پردازش آن است.

سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام

رابرت پاتنام را باید مهمترین اندیشمند و پژوهشگری دانست که مفهوم سرمایه اجتماعی را گسترش قابل توجهی بخشید. وی پس از انتشار پژوهش برجسته خود با عنوان «بولینگ تنها» (۲۰۰۰)، مبدل به مشهورترین چهره علمی سرمایه اجتماعی شد. پژوهش پاتنام برخلاف کلمن و بوردیو که در علوم اجتماعی و نظریه اجتماعی شناخته شده هستند؛ از چارچوب تخصصی وی که علوم سیاسی بود فراتر رفت و به حوزه عمومی رسید (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۳). پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی خود را به پیروی از کلمن توسعه داد. ایده اصلی او این است که شبکه های اجتماعی حاوی ارزش برای افراد هستند. ارتباطات اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی بر بهره وری افراد و گروه ها تأثیر می گذارد. سرمایه فیزیکی در اشیاء فیزیکی باقی می ماند، سرمایه انسانی متعلق به افراد است و سرمایه اجتماعی در روابط بین افراد به وجود می آید (Putnam, 2000: 18). روابط بین افراد و شبکه های اجتماعی، هنجارهای تعامل و اعتماد را تشکیل می دهد (Putnam, 2000: 18-20) این ویژگی های زندگی اجتماعی سرمایه اجتماعی است. همچنین این ویژگیها به مشارکت کنندگان اجازه می دهند تا برای رسیدن به اهداف جمعی به طور مؤثرتری با هم عمل کنند (Putnam, 1996: 66; 1995: 66-66). به زعم پاتنام سرمایه اجتماعی شبیه «فضیلت مدنی» است (Putnam, 2000: 18-19) و رابطه نزدیکی با مشارکت سیاسی دارد. اما مشارکت سیاسی به روابط با نهادهای

^۱ - Loch

^۲ - Fang

^۳ - Atri

سیاسی و سرمایه اجتماعی به روابط بین مردم بستگی دارد (Putnam, ۱۹۹۵: ۶۶۵). به عقیده پاتنام، کیفیت اجتماعی در صورتی بالاتر است که شبکه ای محکم از روابط اجتماعی متقابل وجود داشته باشد (Putnam, ۲۰۰۰: ۱۸-۱۹). مفهوم سرمایه اجتماعی در اندیشه پاتنام به منظور شفاف سازی و تبیین تفاوت‌های مدنی در دو منطقه شمالی و جنوبی ایتالیا مورد کاربست قرار گرفت. او تاکید می‌کند که «سرمایه اجتماعی در اینجا به ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی از جمله اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که قادرند کارایی جامعه را با تسهیل کنشهای تعاونی بهبود بخشند» (Putnam, ۱۹۹۳: ۳۶۷). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام می‌تواند از رهگذر افزایش هزینه جداشدن، ارتقای هنجارهای محکم بده بستان، تسهیل جریان اطلاعات، از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تصور پیروزیهای گذشته در نیل به کنش جمعی یاری رساند (Putnam, ۱۹۹۳: ۱۷۳). پاتنام توجه خود را بیشتر معطوف منابعی نمود که از طریق سازمان‌های ساخته شده‌ای مانند انجمنهای اعتباری چرخشی و اجتماعات آوازخوانی ایجاد می‌گردند و همچنین به نسبت کلمن به نقش کلیسا و خانواده نگاه محدودتری دارد.

پس از پژوهش در باب نهادهای سیاسی ایتالیا، پاتنام توجه خویش را به جامعه آمریکا و وضعیت سرمایه اجتماعی در این کشور معطوف کرد. او با کتاب «بولینگ تنها» شهرت زیادی پیدا کرد. پاتنام در آثار علمی خود قصد داشت این نکته را به جامعه آمریکایی گوشزد کند و هشدار دهد که: «سرمایه اجتماعی آمریکا در حالت نزول قرار داشته و عامل اصلی آن ظهور تلویزیون می‌باشد» (Putnam, ۱۹۹۳; ۱۹۹۵; ۱۹۹۶).

تعریف پاتنام از مفهوم سرمایه اجتماعی در طول عمر وی دچار تغییر و تحول شد. در سال ۱۹۹۶ او اذعان داشت: «مقصود من از سرمایه اجتماعی به آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها و هنجارها و اعتماد برمی‌گردد که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به طریقی موثرتر اهداف و آمال مشترک خود را تعقیب نمایند» (Putnam, ۱۹۹۶: ۵۶). در این تعریف سه عنصر اصلی تغییری نکرده‌اند ولی تاکید بر مشارکت‌کنندگان به جای جامعه به منزله فواید سرمایه اجتماعی بود. به دنبال این، پاتنام در کتاب مشهود خود می‌گوید: «ایده مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزشمندند. تماسهای اجتماعی بر کارایی افراد و گروه‌ها تأثیرگذارند» (Putnam, ۲۰۰۰: ۱۸-۱۹). پاتنام این مفهوم را برای اشاره به پیوندهای بین افراد و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتمادی که در نتیجه آنها بوجود می‌آید به کار برد (Putnam, ۲۰۰۰: ۱۹). در این تعریف موضوعی که از اهمیت برخوردار است تاکید بر عنصر اعتماد و عمل متقابل است که به مثابه یک عنصر

جدایی ناپذیر هنجاری که در نتیجه شبکه‌های اجتماعی خلق می‌شود؛ و در اینجا پاتنام به جای تأکید بر سه عنصر اصلی، بر دو عنصر اصلی شامل شبکه‌ها و هنجارها تمرکز دارد.

پاتنام سپس تفکیکی بین دو صورت اولیه سرمایه اجتماعی، یعنی سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و درون گروهی (انحصاری) ایجاد می‌کند. سرمایه اجتماعی درون گروهی کارکردش این است که هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود؛ از سوی دیگر سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گردهم می‌آورد. هر کدام از این صورتها می‌تواند در پاسخ به نیازهایی مفید باشد. به این ترتیب که سرمایه اجتماعی درون گروهی برای بهبود تعاملات خاص و انتقال همبستگی مفید است و همچنین در نقش یک نوع چسب قوی جامعه‌شناختی برای حفظ وفاداری درون گروهی و تقویت هویت‌های مشخصی عمل کند. پیوندهای ارتباط دهنده، برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات کارکرد دارند و یک بینش اجتماعی فراهم می‌آورند که هویتها و تعاملات وسیعتری را به وجود آورد (Putnam, 2000: 22-23).

بر این اساس، نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام شباهت‌های آشکاری با نگرش امیل دورکیم از همبستگی دارد. استفاده وی از الفاظی چون اثربخشی و مولد بودن، این تصور را بوجود می‌آورد که نگاه پاتنام به سرمایه اجتماعی نگاهی کارکردی بوده است؛ اما چارچوب کار وی نشان نمی‌دهد که او کنشگر فردی محاسبه‌گر نظریه انتخاب عقلانی را به تصویر می‌کشد (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۶). پاتنام به طور صریحی تمایزی را که تونیس بین اجتماعی ارگانیک (گمین شافت) و سازمان اجتماعی (گزل شافت) مطرح کرده و همچنین نتیجه‌گیری وی مبنی بر اینکه مدرنیته دشمن مدنیت است را نفی می‌کند. برخلاف تونیس و کلمن، پاتنام با مطالعه در باره جنوب ایتالیا نشان داد که «غیرمدنی‌ترین نواحی دقیقاً روستاهای سنتی هستند» (Putnam 1993: 114). خویشاوندی به عنوان منبعی برای کسب همبستگی، اهمیت کمتری از آشنایی و عضویت مشترک اجتماعات ثانویه‌ای دارد که می‌تواند افراد متعلق به گروه‌های کوچک کاملاً متفاوت و مجزا را گردهم آورند (Putnam, 1993: 175). پاتنام استدلال می‌کند که ممکن است پیوندهای عمودی کمتر از پیوندهای افقی مفید واقع شوند. زیرا ممکن است ظرفیت کنش جمعی را تحلیل برده و باعث ایجاد بدگمانی شوند (putnam, 1993: 195). این گزاره‌ها نشان می‌دهد که پاتنام اساساً متفکری چنداسلوبی است که از یکسو بر تحلیل دورکیم از پیوندهای دوجانبه تأکید دارد و از سوی دیگر بر عقلانیت کنشگر که نتیجه نظریه‌ی انتخاب عقلانی است تأکید دارد.

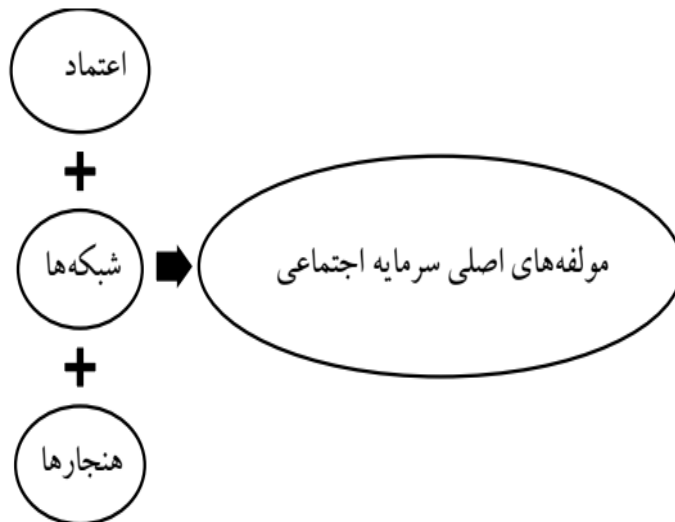
از طرفی، در اندیشه پاتنام سویه‌هایی از دیدگاه‌های توکویل دیده می‌شود. این موضوع را می‌توان در اشتیاق زیاد پاتنام برای تاکید بر دو مفهوم داوطلب شدن و جامعه‌پذیری به مثابه مقابله‌کنندگان با قدرت صنفی افراطی و بی‌علاقگی اجتماعی مشاهده کرد. پژوهش پاتنام در باب ایتالیا گرایش وی را به اندیشه‌های توکویل نشان می‌دهد؛ این گرایش نه تنها در شکل یک گرایش ذهنی وجود دارد بلکه او دو شاخص از چهار شاخصی را که برای اندازه‌گیری مشارکت اجتماعی به کار برد یعنی زندگی انجمنی و روزنامه‌خوانی در کنار الگوهای ترجیح رأی و تعداد رأی‌دهندگان از اندیشه توکویل گرفته شده‌اند (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۷). پاتنام همانند توکویل به انجمنهای مدنی گرایش دارد اما تردیدهای توکویل درباره انحراف جوامع دموکراتیک به سوی استبداد را ندارد؛ بلکه عامل ضدآرمان پاتنام بیشتر جامعه و مردمانی است که تماشاگر منفعل و هوسران تلویزیون هستند که ویژگی‌شان بی‌علاقگی سیاسی و بی‌توجهی به سایر افراد است و در آن با جرم و فقر مقابله نمی‌شود و فرصت برای کسب ثروتمندی اقتصادی در درازمدت نامیدکننده است.

بنیاد اساسی پژوهش پاتنام در باب آمریکا و افول سرمایه اجتماعی در این کشور، در جمع‌آوری جزئی و ریزبینانه تجربی نهفته است. او مشاهداتی با جزئیات پراهمیتی را مبنی بر نزول سرمایه اجتماعی در آمریکا به خصوص در کتاب «بولینگ تنها» که به صورت نظام‌مند دامنه‌ای از داده‌های آماری مربوط به تمایلات اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم را تحلیل می‌کند ارائه می‌نماید. شواهدی که پاتنام در طول روند مطالعاتی خود در باب آمریکا جمع‌آوری کرده بود نشان می‌داد که در اواخر دهه ۱۸۸۰ شهرنشینی، مهاجرت و صنعتی شدن باعث تضعیف پیوندهای اجتماعی جامعه‌ی آمریکا گردید که در نتیجه آن، شبکه وسیعی از سازمانهای داوطلبانه از جمله صلیب سرخ و اتحادیه‌های کارگری، شکل گرفت. سپس میزان تعهد مدنی رو به افزایش نهاد اما بعد از وارد شدن آمریکا به جنگ جهانی دوم، نرخهای رشد قبلی‌اش نزول کرد. سپس از دهه ۱۹۶۰، آمریکایی‌ها در ابتدا به شکلی آرام و تدریجی و پس از آن از طریق یک جریان خائنه خودی، از یکدیگر و از اجتماعات خود جدا شدند (Putnam, 2000: 27).

شواهد و داده‌های گردآوری شده توسط پاتنام درباره افول سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ در آمریکا از این جهت مهم است که به نوعی متقاعدکننده و منطقی است. بر پایه‌ی داده‌های پاتنام مشارکت سیاسی، عضویت انجمنی، مشارکت مذهبی، داوطلب شدن، نیکوکاری، تعامل اجتماعی کارمحور و شبکه‌های اجتماعی غیررسمی به صورت هماهنگ با هم تنزل پیدا کرده‌اند. پاتنام این مدل را با آن دسته از داده‌های پیمایشی که نشان می‌داد درک آمریکایی‌ها نسبت به صداقت و اعتماد از اوجی که اواسط دهه ۱۹۶۰ داشته کاهش داشته است مرتبط می‌سازد. این مشاهدات و اسناد تغییر نگرش و رفتار آمریکاییها با استفاده از داده‌های

مربوط به تغییر رفتار آنها در عبور از چراغ قرمز در تقاطع‌ها (Putnam, ۲۰۰۰: ۱۴۳) و افزایش شدید جرائم گزارش شده، کامل گردید. پاتنام علیرغم بروز روندهای جدید افزایش گروه‌های خودیاری کوچک و داوطلبانه جوانان و افزایش راه‌های برقراری ارتباط از طریق فضای مجازی و سایر تکنولوژی‌ها، نتیجه می‌گیرد که شواهد این روندها مبهم‌اند و میزان استقبال آمریکایی‌ها از اجتماعات دو یا سه دهه پیش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است (Putnam, ۲۰۰۰: ۱۸۰).

پاتنام سپس به دلایلی می‌پردازد که باعث شده است سرمایه اجتماعی در آمریکا به وجود آمده و حالتی درازمدت پیدا کنند. او با رد دلایلی که از سوی اندیشمندان دیگر در باب افول سرمایه اجتماعی در آمریکا ارائه کرده بودند در نهایت برای این موضوع چهار دلیل اقامه می‌کند: اول مشغولیت کامل و فشارهای مربوط به خانواده‌های دو شغلی، زمان و سایر منابعی را که زنان به طور خاص می‌توانند به مشارکت اجتماعی اختصاص دهند، کاهش داده است. اما پاتنام این مطلب را در نهایت به عنوان دلیلی گمراه‌کننده برمی‌شمارد زیرا اتصال و تعهد برای زنان و مردان، چه شاغل چه غیرشاغل، بطور نسبتاً برابر کاهش یافته است (Putnam, ۲۰۰۰: ۲۰۳). دلیل دوم پاتنام ناظر به جابه‌جایی‌های روزمره ساکنین پایتخت‌های بزرگ و زمانی است که برای این صرف می‌کنند. پاتنام از این موضوع به «جریمه مدنی پراکنده‌نشینی» یاد می‌کند که باعث می‌شود پیوندهای اجتماعی بین افراد چند پاره شود (Putnam, ۲۰۰۰: ۲۱۵). اما پاتنام در مقابل اشاره می‌کند که تعهد اجتماعی در شهرهای کوچک و نواحی روستایی هم کاهش یافته است؛ وی تحرک شهری و پراکنده‌نشینی را هم مانند فشارهای زمان و پول، یک عامل فرعی می‌داند و نتیجه می‌گیرد که دلایل اصلی برای افول سرمایه اجتماعی، یکی سرگرمی‌های الکترونیکی خانگی و مهمتر از همه تلویزیون و دیگری تغییر نسلی است. بی‌شک پژوهش پاتنام پژوهشی است درخشان و ماندگار که بر دانش گسترده‌ای از منابع مشاهداتی متنوع استوار است. این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد پاتنام بر رویکرد اندیشمندان قبل از وی یعنی کلمن و بورديو سایه انداخته است. البته شهرت پاتنام همانقدر که او را بر سر زبانها انداخت موجب وارد آمدن انتقاداتی به او نیز شد. پژوهش پاتنام در ایتالیا به شدت از سوی مورخین و دانشمندان علوم سیاسی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت و همچنین کار وی بر روی جامعه‌ی آمریکایی همواره مناقشه‌برانگیز بوده است.



مولفه های سرمایه اجتماعی از دید پاتنام

نقد‌های وارده بر پاتنام

یکی از انتقادات وارده به پاتنام این است که آیا شواهد و داده‌های او برای نظریه‌ای که طرح کرده کافی بوده یا خیر؟ یک نویسنده آمریکایی در نقد خویش بر شاخصهای پاتنام از تعهد و مشارکت مدنی تمرکز داشت و بر قدیمی بودن آنها تاکید می‌کرد؛ تشکلهایی همچون الک‌ها و صلیب سرخ که پاتنام مطرح کرده بود متعلق به شهرهای قدیمی و نقشهایی جنسیت‌محور هستند؛ اشکال جدید مشارکت از جمله فوتبال جوانان در حال رشد هستند زیرا آنها در حال منطبق شدن با روشهای شلوغ و زندگی حومه‌ای می‌باشند (Lemann, 1996: 212-219). اگرچه پاتنام با انتشار کتاب بولینگ تنها و تشریح اشکال جدید مشارکت از جمله فوتبال جوانان و حرکت‌های اجتماعی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی توانست تا حدی انتقادات وارده بر کارش را کاهش دهد اما وی می‌پذیرد که شواهد مطالعاتی‌اش مبهم هستند و در عین حال بر این نکته تاکید می‌کند که اگر مدل کلی نزول را به طور دقیق‌تر بررسی کنیم، این مدل بدون خطا است (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۳). پژوهشگران متعددی خاطرنشان کردند که شواهد پاتنام مبنی بر افول تعهد و مشارکت مدنی در آمریکا باید از شواهد متضاد مربوط به شادی و سرزندگی در اروپای غربی تفکیک شود (Hall, 1999; Rothstein, 2001). این گزاره درست است زیرا الگوهای اوقات فراغت و سرگرمی و تغییر نسلی جوامع اروپایی مشابه جامعه آمریکا است. لذا اگر تشخیص پاتنام درست باشد، انتظار خواهیم داشت که در این جوامع هم تعهد اجتماعی به شکلی مشابه تنزل یابد.

اساساً این انتقاد به کار پاتنام وارد است که تعریفی تاریخی - دورانی از سرمایه اجتماعی را مورد کاربست قرار داده است (Misztal, 2000: 121). انتقاد واردهی دیگر این است که کار پاتنام فاقد دقت نظری است به این معنی که ظاهراً او از ارائه

توضیحی برای تولید و حفظ سرمایه‌ی اجتماعی ناتوان است (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۳). و اهمیت پیوند علی ارتباط‌دهنده اعتماد و شبکه‌ای گسترده از انجمنها را درک نمی‌کند و رابطه خاصی را بین اجزای مختلف سرمایه اجتماعی ارائه نمیدهد.

عده‌ای دیگر نیز این انتقاد را بر پاتنام وارد دانسته‌اند که ابهام مفهومی وی، مربوط به مثبت‌انگاری بیش از حد اوست (Portes, 1998: 1). پاتنام بر این اعتقاد بود که سرمایه اجتماعی درمان کامل برای بسیاری از دردهای هر جامعه‌ای است. اما از نظر کوهن سرمایه اجتماعی صرفاً بدون خطر نیست؛ و حتی این خطر وجود دارد که پاتنام به طور غیرعادلانه آلت دست افرادی شده باشد که قصد صدمه زدن به دولت رفاه را دارند؛ او سپس پاتنام را یک نوجمهوری خواه می‌نامد. از سوی دیگر پاتنام بابت توجه کمتر به مولفه و اهمیت سیاست، مورد انتقادات متعددی واقع شد. مسلماً با اینکه رویکرد او به سرمایه اجتماعی رویکردی بین رشته‌ای است اما ریشه آن در علوم سیاسی قرار دارند. (Misztal, 2000: 120). از سوی دیگر، اندیشمندان علوم سیاسی این انتقاد را از پاتنام دارند که وی در کارهای خود به سمت جامعه شناسی گرایش پیدا کرده است.

برخی پژوهشگران انگلیسی نیز برای اتخاذ دیدگاهی از پایین به بالا که بر داوطلب شدن تأکید می‌کند و نسبت به نقش فعالیت‌های سیاسی و نهادها بی‌توجه است انتقاداتی را متوجه پاتنام کرده‌اند (Maloney, 2000: 803). ویلسون و لوندس هم نظریه پاتنام را به این دلیل که بیش از حد جامعه محور بوده و عاملیت دولت و عوامل سیاسی مربوطه را کم ارزش جلوه می‌دهد، نقد می‌کنند (Lowndes & Wilson, 2001: 629). این انتقاد اندیشمندان علوم سیاسی تا حدی به حوزه سنتی این رشته برمی‌گردد که در آن حکومتها در فرایندهای اجتماعی کنشگران منفعلی نیستند و قادرند چارچوب‌هایی را شکل دهند که افراد در قالب آنها تصمیم بگیرند در حوزه عمومی مشارکت داشته باشند یا اینکه در خانه بمانند و با سرگرمی‌هایی چون تلویزیون وقت بگذرانند. اما در انتها باید گفت علیرغم تمامی این انتقادات، روایت پاتنام از سرمایه اجتماعی تبدیل به یک صدای مسلط شده است.

سرمایه اجتماعی از دیدگاه فرانسیس فوکویاما

فرانسیس فوکویاما یکی از اندیشمندانی است که محتوای مفهومی سرمایه اجتماعی را با اندیشه‌ورزی خود گسترش داد و ابعاد دیگری از این موضوع را مورد بررسی قرار داد. فوکویاما در تداوم روایت پاتنام از سرمایه اجتماعی بر عناصری چون اعتماد، همیاری، شبکه‌های مشارکت مدنی و هنجارهای اعتماد تأکید داشت. فوکویاما نیز بمانند پاتنام از منظر علوم سیاسی به سرمایه اجتماعی می‌نگریست. وی سرمایه اجتماعی را به عنوان «توانایی که از رواج اعتماد در جامعه یا بخش‌های خاصی از آن ناشی می‌شود» تعریف می‌کند (Fukuyama, 1995: 24). او استدلال می‌کند که اعتماد اجتماعی در برخی جوامع زیاد ولی در برخی

دیگر به میزان کمی وجود دارد و جوامعی که اعتماد اجتماعی بیشتری دارند، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز تولید می کنند و بنابراین برای پیشرفت اقتصادی و دستیابی به رفاه مجهزتر هستند. این بدان معناست که سرمایه اجتماعی تابعی از اعتماد اجتماعی است که حضور آن در جامعه برای رشد اقتصادی ضروری است. با این حال، فوکویاما تأکید می کند که «سرمایه اجتماعی، بوته اعتماد و حیاتی برای سلامت اقتصاد بر ریشه های فرهنگی است.» (fukuyama, ۱۹۹۵: ۳۳). این بدان معنی است که فرهنگ عمق و وسعت اعتماد اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیز ظرفیت جامعه را برای کسب سرمایه اجتماعی تعیین می کند و این به نوبه خود توانایی جامعه را برای توسعه اقتصادی و سیاسی افزایش می دهد. از آنجایی که فوکویاما ادعا می کند "اعتماد از نظر فرهنگی تعیین می شود"، فرهنگ به مهم ترین عامل تعیین کننده عملکرد اقتصادی جامعه تبدیل می شود.

عنصر مهم فرهنگ از دید فوکویاما «اعتماد» است و اعتماد هسته اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد. زمانی که صحبت از مفهوم اعتماد می شود با تعاریف و تفاسیر متعددی از آن چه در سطح علمی و چه در سطح متعارف مواجهیم. اساساً اعتماد از آن دسته مفاهیم است که اجماعی بر سر تعریفی از آن وجود ندارد و مقتضایی و بافتارمند است. اعتماد به مثابه یک عادت فرهنگی در هر جامعه ای اعم از سنتی و مدرن و در هر قشری خواه فقیر و خواه غنی وجود دارد. هیچ رابطه اجتماعی یا کاری را نمی توان بدون اعتماد به حد کافی ایجاد کرد یا تداوم بخشید تا مشارکت کنندگان بتوانند در کار با یکدیگر احساس راحتی کنند. با این حال، شکل اعتماد از جامعه ای به جامعه دیگر به دلیل تفاوت در مراحل توسعه اجتماعی آنها متفاوت است. در جوامع ماقبل صنعتی، اعتماد بیشتر عادی است که ارزش ها و باورهای نهفته در بافت اجتماعی - فرهنگی جامعه را منعکس می کند (Benkler, ۲۰۰۶: ۲۹).

در جوامع صنعتی و فراصنعتی، اعتماد بیشتر نگرشی است که بازتاب تفکر عقلانی و قوانین و مقررات رسمی است. اما در جوامع سنتی، اعتماد عمدتاً به روابط اجتماعی مربوط می شود که توسط ارزش ها و آداب و رسوم و نظام های اعتقادی شکل گرفته و تنظیم می شود ولی در جوامع صنعتی به روابط اقتصادی و تراکنش های مالی مربوط می شود که بر اساس منافع و قوانین شکل می گیرد. اساساً مفهوم اعتماد اجتماعی مربوط به فعالیت اقتصادی در جوامع توسعه یافته است و نه روابط انسانی. ولی اعتماد سنتی در حلقه های عمدتاً بسته مانند خانواده ها، جوامع مذهبی و گروه های قومی حاکم است. و از آنجایی که روابط درون حلقه های کوچک تر تمایل به پایداری دارند، اعتماد سنتی نیز باثبات است و نقش های مشابهی را در همه این روابط ایفا می کند. از سوی دیگر، اعتماد اجتماعی در بیشتر محافل باز، به ویژه در سازمان هایی که حول منافع حرفه ای و تجاری ساخته شده اند، غالب است. و بنابراین، با تغییر منافع، قوانین و زمان، تمایل به تغییر دارد. اعتماد سنتی تابعی از فرهنگ است که بندرت

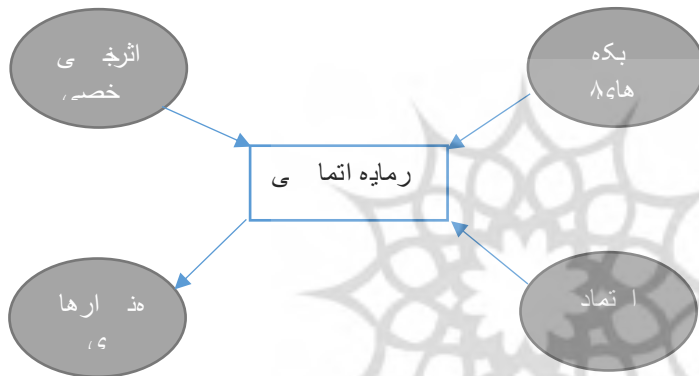
فوکویاما استدلال می‌کند آنچه در هر دو مورد ضروری است، وجود سطح عمومی اعتماد در درون سازمان مانند مورد شرکت‌های بزرگ، و در بین سازمان‌ها، مانند مورد شبکه‌هاست. به نظر وی، درجه اعتماد که برای کاهش هزینه‌های مبادلات درون بنگاهی و بین‌شرکتی حیاتی است، یک عامل تعیین‌کننده مهم برای «سرمایه اجتماعی» است که در فرهنگ ملی رایج تعبیه شده است. فوکویاما بخش اعظم کتاب «اعتماد» را به مطالعات موردی اختصاص می‌دهد که نشان می‌دهد چگونه میزان اعتماد متقابل بر خلق ثروت در بخش‌های مختلف جهان تأثیر گذاشته است. به زعم وی فرهنگ و نظام اخلاقی منبع اصلی تعیین‌کننده رفتارها هستند و به طور کلی درجه ای از اعتماد را در بین اعضای خود ایجاد می‌کنند. برخی نکات اخلاقی از جمله صداقت، نیکوکاری و خیرخواهی نسبت به دیگران، شعاع وسیع‌تری از اعتماد را ترویج می‌کنند. فوکویاما استدلال می‌کند که جامعه‌پذیری خودبه‌خودی ناشی از شعاع اعتماد بیشتر است، چیزی که جامعه را قادر می‌سازد تا انجمن‌های جدید تشکیل دهد و در چارچوب شرایط مرجعی که ایجاد می‌کند همکاری کند. در این معیار آلمان و ژاپن به راحتی به عنوان جوامع گروه محور شناخته می‌شوند.

به دلیل اخلاق کاری پروتستانی، ایالات متحده نیز علیرغم تصور گسترده از آن به عنوان یک جامعه فردگرا، در رتبه بالایی قرار دارد. از سوی دیگر، جوامع خانواده محور، مانند تایوان، هنگ کنگ و چین، انجمن‌های داوطلبانه ضعیفی دارند، زیرا هیچ مبنایی برای اعتماد به یکدیگر ندارند. چنین ویژگی‌هایی در فرانسه و ایتالیا نیز یافت می‌شود که در آنها کمبود اعتماد در بین افراد غیرمرتبط با یکدیگر وجود دارد. در جوامعی که جامعه‌پذیری خودبه‌خودی وجود ندارد، دولت باید برای کمک به ایجاد مشاغل در مقیاس بزرگ از طریق یارانه، راهنمایی یا حتی مالکیت کامل وارد عمل شود. فرانسه نمونه‌ای از مواردی است که حمایت دولتی اجازه ایجاد شرکت‌های بزرگ مقیاس و سرمایه‌بر در بخش دولتی را داده است. مورد کره، یک جامعه کم اعتماد طبقه بندی فوکویاما، مورد جالبی است زیرا **چاپولها** - شرکت‌های بزرگ تجاری - بزرگترین بخش اقتصاد آن را تشکیل می‌دهند (fukuyama, ۱۹۹۵: ۴۵-۶۸).

فوکویاما این را به یک دولت فعال و شایسته نسبت می‌دهد که برخلاف مورد فرانسه و ایتالیا، یارانه‌های دولتی را از طریق شرکت‌های خصوصی و نه دولتی به بخش‌های استراتژیک هدایت کرد. به گفته وی، مورد کره نشان می‌دهد که یک دولت مصمم می‌تواند بر مضرات جامعه کم اعتماد غلبه کند و برعکس، مزایای یک جامعه با اعتماد بالا را افزایش دهد. گرایش‌های فرهنگی در سطح ملی به سطح شرکت می‌رسند و فوکویاما نمونه‌های جالب بسیاری از نقش اعتماد در تولید و فعالیت‌های اقتصادی را از سراسر جهان ارائه می‌کند. به عنوان مثال، او توضیح می‌دهد که چگونه در هر کارخانه تویوتا، یکی از هزاران

کارگر خط مونتاژ می تواند کل عملیات مونتاژ را با کشیدن یک سیم در ایستگاه کاری خود متوقف کند، و با این حال آنها به ندرت این کار را انجام می دهند، مگر اینکه واقعاً توقف کار لازم باشد (fukuyama, 1995: 74-76).

تصویری دیگر وضعیتی را در جنوب ایتالیا در دهه ۱۹۵۰ توصیف می کند که در آن شهروندان ثروتمند ایتالیایی، علیرغم وجود سرمایه و نیروی کار فراوان، تمایلی به ایجاد مدرسه، بیمارستان، یا کارخانه ای در یک شهر کوچک نداشتند، زیرا به یکدیگر اعتماد نداشتند و معتقد بودند که این وظیفه بخش دولتی است که چنین امکاناتی را فراهم کند. در رکود سال ۸۳ تا ۸۴ میلادی شرکت فولاد ضربه سختی خورد اما هیچ کارگری را اخراج نکرد. در عوض، شرکت همه کارکنان خود، از جمله مدیرعامل، را در هفته کاری دو یا سه روزه با کاهش حقوقی که نشان دهنده سطح بالایی از اعتماد به کارکنان و تقسیم عادلانه است، قرار داد. هنگامی که رکود به پایان رسید، شرکت به دلیل حسن نیت ایجاد شده بین کارگران و مدیریت در شرکت از رشد فوق العاده ای برخوردار شد. (fukuyama, 1995: 77).



مدل مفهومی سرمایه اجتماعی از منظر فوکویاما (kuo, 2021)

نتیجه گیری

براساس مباحث شده سرمایه اجتماعی مفهومی است جدید و میان رشته‌ای که عمدتاً توسط متفکران فرانسوی و آمریکایی چندین دهه پس از طرح مفهوم سرمایه از سوی مارکس مطرح شد. متفکران پس از مارکس از بوردیو و کلمن گرفته تا پاتنام و فوکویاما ضمن توجه به معنای اقتصادی و مالی مفهوم سرمایه، سعی کردند این مفهوم را در معانی غیراقتصادی نیز بکار گیرند که غالباً شامل سرمایه فرهنگی، سمبلیک، انسانی و اجتماعی می شود. تعاریف ارائه شده در باب این مفاهیم حاوی معانی و مضامین گوناگونی است که عمدتاً حول محور ارتباطات و تعاملات انسانی شکل گرفته اند. بررسی نظریات گوناگون در این خصوص نشان می دهد که مفهوم سرمایه اجتماعی را می توان در چند مقوله اساسی طبقه بندی نمود که اساس و بنیان این مقاله را در بر می گیرد. اول مفاهیمی است که سرمایه اجتماعی به عنوان فرآیندی اجتماعی در درون آنها موضوعیت می یابد و به مثابه ظرفی برای سرمایه اجتماعی به آنان نگریسته می شود. مهمترین این مفاهیم عبارتند از ساختارهای اجتماعی، شبکه های اجتماعی،

سازمانها، نهادهای داوطلبانه، اجتماعات محلی، جامعه مدنی، طبقه اجتماعی و خانواده. دوم مفاهیمی که سرمایه اجتماعی را از بیرون منظم نموده و سبب جهت‌دهی به آن می‌شود. از جمله ارزشها، هنجارهای غیررسمی، قوانین و سایر اشکال کنترل اجتماعی. سوم شاخصهای مهم سرمایه اجتماعی است که سبب تأثیرگذاری بر این مفهوم می‌شود مانند اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی.

نگاهی گذرا به تعاریف موجود نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به صورت کلی و عام به هنجارهای اعتماد یا روابطی خیرخواهانه و با حسن‌نیت اشاره دارد که معمولاً در درون شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد. هدف از ارتباطات گفته شده استفاده از منابع مشترک برای رسیدن به اهداف مشترک گروهی است. این مقاله از بین متفکران گوناگون دیدگاههای پاتنام و فوکویاما را در خصوص سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار داده است که ماحصل آن در قالب جدول ذیل از منظر چند شاخص، مفهوم و تعریف سرمایه اجتماعی از دیدگاه این دو قابل تامل و مقایسه است. نقطه تمرکز فوکویاما در بحث سرمایه اجتماعی مفهوم اعتماد است که در جوامع سنتی در درون خانواده و گروههای قومی و مذهبی رایج است و موجب همبستگی و انسجام میان آنها می‌شود و در جوامع صنعتی در سازمانهای دولتی و شرکتهای و سازمانهای تجاری و اقتصادی جاری است و براساس قوانین و مقررات عمومی تنظیم می‌شود. اما، پاتنام بر شبکه‌های اجتماعی و سنت‌های مدنی متمرکز می‌شود و بر همبستگی متقابل اعضای این شبکه‌ها تأکید می‌کند و نقش ساختارهای اجتماعی و سیاسی خصوصاً ساختارهای دموکراتیک را بصورت پررنگ مطرح می‌سازد.

اهم مباحث مطرح‌شده و تفاوتها و اشتراکات پاتنام و فوکویاما در خصوص مفهوم سرمایه اجتماعی به اختصار در جدول زیر آمده است.

جدول ۱- مؤلفه‌های نظریه‌ها

مؤلفه‌ها	رابرت پاتنام	فرانسیس فوکویاما
تعریف سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی خصایص یا مشخصات سازمان اجتماعی یعنی مواردی چون شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد اجتماعی - را در بر می‌گیرد که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می‌کنند	سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از ارزشها یا هنجارهای غیررسمی است که اعضای یک گروه مشترکاً آنها را باور دارند و همکاری بین آنها را مجاز می‌سازد

بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۳): تمایز نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، ثالث.

سوری، علی (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی سنجش سرمایه اجتماعی در ایران»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۲۹-۱۰۷.

شریفی، محمد؛ بای، عبدالرضا؛ ابوالفضل، حسین؛ صالحی فارسانی، علی (۱۴۰۰). «جایگاه سرمایه اجتماعی در کارآمدی نظام سیاسی»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۴) تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۹۶-۳۰۸.

فیلد، جان (۱۳۸۶): سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رضائی، تهران: کویر

مارش، دیوید، استوکر، جری (۱۳۹۳): روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمدحاجی یوسفی، چاپ هشتم، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.

مارکس، کارل (۱۳۹۳): سرمایه، نقد اقتصاد سیاسی، ج اول، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، لاهیتا.

منصوری، فاطمه؛ رنجبر، ایرج؛ سعیدی نژاد، حمیدرضا (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر پاسخگویی نهادهای حکومتی: مطالعه موردی شهر کرمانشاه»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار ۱۴۰۱، صص ۳۰۲-۲۷۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- Atri, S. B., Hagh, M. H. S., Jafarabadi, M. A., Feizi, A., & Ahmadi, Z. (۲۰۱۸). Relationship between social capital and lifestyle among older adults. *Educational Gerontology*, ۴۴(۹), ۵۶۲-۵۷۱.
- Benkler Y (۲۰۰۶). *The Wealth of Networks. How Social Production Transforms Markets and Freedom*. New Haven and London: Yale University Press
- Fang, J., Wang, J. W., Li, J., Li, H., & Shao, C. (۲۰۱۷). The correlates of social capital and adherence to healthy lifestyle in patients with coronary heart disease. *Patient preference and adherence*, ۱۱, ۱۷۰۱.
- Loch, M. R., Souza, R. K. T. D., Mesas, A. E., Martinez-Gómez, D., & Rodríguez- Artalejo, F. (۲۰۱۵). Relationship between social capital indicators and lifestyle in Brazilian adults. *Cadernos de Saúde Pública*, ۳۱, ۱۶۳۶-۱۶۴۷.
- Fukuyama, F (۲۰۰۲): "Social capital and Development: The coming Agenda" , SAIS Review, winter – spring ۲۰۰۲.
- Fukuyama, F. (۱۹۹۵). *Trust. The social virtues and creation of prosperity*. New York: Free press.
- Yuank, Chou,(۲۰۰۶),"Three simple models of social capital and economic growth" ,The journal of socio – Economics, V.۳۵.
- Lowndes, V. and Wilson, D. (۲۰۰۱) 'Social Capital and Local Government: exploring the institutional design variable', *Political Studies*, ۴۹, ۴, ۶۲۹-۴۷.
- Fukuyama, Francis,(۱۹۹۹a). *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order*, New York: Free Press
- Fukuyama, Francis,(۱۹۹۹b). "Social Capital and Civil Society", The Institute of Public Policy George Mason University.
- Kuo , Nien-Te, (۲۰۲۱). " How social capital affects support intention: The mediating role of place identity", *Journal of Hospitality and Tourism Management*. Volume ۴۶, pp. ۴۰-۴۹
- Putnam, R,D, and Goss, Krishna (۲۰۰۲) "introduction in Putnam [ed] , *Democracies in Flux , the evolution of social capital in contemporary society*", oxford university press.
- Putnam, R. D. (۱۹۹۳) *Making Democracy Work: civic traditions in modern Italy*, Princeton University Press, Princeton.
- Putnam, R. D. (۱۹۹۵) 'Bowling Alone: America's declining social capital', *Journal of Democracy*, ۶, ۶۵-۷۸.

- Putnam, R. D. (۱۹۹۶) 'Who Killed Civic America?' Prospect, ۷, ۲۴, ۶۶-۷۲.
- Putnam, R. D. (۲۰۰۰). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. New York, NY: Simon and Schuster.
- Putnam, Robert. D (۱۹۹۹) "Bowling alone: The collapse and Revival of American Community [New York: Sim on and Schuster].
- Rabie, mohamad (۲۰۲۱). "Fukuyama. and Social Capital". [European Higher Education Area and other relevant issuesA Future For AllThe Making of History](#) Available in https://www.researchgate.net/publication/۳۴۸۱۵۵۲۱۰_Fukuyama_and_Social_Capital

